



## الدَّرْسُ السَّابِعُ



كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.



## الدَّرْسُ السَّابِعُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه جدید)

آباء	پدران «مفرد: أب»	صَحِيحٌ   يَصْحَكُ	خندید   می‌خندد
إِضَاعَةٌ	تلف کردن	طَائِرٌ	پرنده
أَلَا	هان، آگاه باش	عِنْدَمَا	وقتی که
جَلَبٌ   يَجْلِبُ	آورد   می‌آورد	غَابَةٌ	جنگل
حَطَبٌ	هیزم	غَزْلَانٌ	آهوها «مفرد: غَزَالٌ»
حَمَامَةٌ	کبوتر	فَرَحٌ	شادی
حَوَائِجٌ	نیازها «مفرد: حَاجَةٌ»	فَرَحٌ	جوجه «جمع: فِرَاحٌ»
ذَنَابٌ	گرگها «مفرد: ذِئْبٌ»	كَمَا	همان طور که
الرَّابِعُ، الرَّابِعَةُ	چهارم	مُسْتَشْفَى	بیمارستان «جمع: مُسْتَشْفَيَاتٌ»
رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ	خدا پدر و مادرت را بیامرزد!	نَصْرٌ	یاری
صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَةٌ	برایتان زحمت شد	هَجَمٌ   يَهْجُمُ	حمله کرد   حمله می‌کند
صَيْدِيَّةٌ	داروخانه	يَيْئَسُ   يَيْئَسُ	ناامید شد   ناامید می‌شود

## زمین خدا پهناور است ﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ...﴾

گروهی از آهوها در جنگلی بین کوهها و رودها بودند



كَانَتْ مَجْمُوعَةً مِنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.

دو روزی از روزها پنج گرگ به آهوها حمله کردند



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةٌ ذِيَابٍ عَلَى الْغِزْلَانِ.  
وَ ...

\*\*\*

خدایا چکار کنیم؟

الْغِزَالُ الْأَوَّلُ: إِلَهِي، مَاذَا نَفْعَلُ؟

الْغِزَالُ الثَّانِي: لَا نَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ. **توانایی دفاع نداریم**

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا: **آهو کوچک با خودش گفت:**

«مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجَحُ» **چاره چیست باید فکر کنم موفق خواهم شد**

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عُصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ: **آهوی کوچک گنجشکی دید؛ و از او پرسید:**

«هَلْ خَلَفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرَ؟» **آیا پشت کوهها دنیای دیگری است؟**

أَجَابَ الْعُصْفُورُ: «لَا». **گنجشک پاسخ داد: نه**





آهوی کوچک نا امید نشد پس کبوتری دید و از او پرسید:



الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا يَيْسَتْ فَشَاهَدَتْ  
حَمَامَةً وَ سَأَلَتْهَا:

«يَا أُمَّ الْفَرَّخِينَ، أَي مَادِر دُوجُوجِهِ؟»

هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟ آیا پشت کوهها دنیایی غیر از دنیای ما است

سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ. **از او همان جواب را شنید**

الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هُدُوداً وَ سَأَلَتْهُ: **آهو** هَدُودِي دِيدَ وَاوِ اَوِ پَرَسِيدِ

«هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟» **آیا پشت کوهها دنیایی غیر از دنیای ما است**

أَجَابَ الْهُدُودُ: «نَعَمْ». **هدهد پاسخ داد بله**

فَصَعِدَتِ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرْتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ غَابَةً وَاسِعَةً؛ ثُمَّ

**پس آهو از کوه بلند بالا رفت و بالای آن رسید پس جنگل وسیعی دید سپس**

رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَائِ الْغِزْلَانِ: **برگشت و به پدران آهوها گفت**

«أَتَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟ **آیا می دانید که پشت کوهها دنیایی دیگری هست**

وَ قَالَتْ لِأُمَّهَاتِ الْغِزْلَانِ **و به مادران آهوها گفت**

«أَتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟ **آیا می دانید که پشت کوهها دنیایی دیگری هست**

فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بِنَغْصٍ: **پس آهوی اول با خشم گفت:**

كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟ **چگونه این را می گویی؟**

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي: **و آهوی دوم گفت:**

كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ! **گویا تو دیوانه ای**

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّلَاثُ: **و به مادران آهوها گفت**

هِيَ تَكْذِبُ. **او دروغ می گوید**

وَ قَالَتِ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةُ: **و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می گویی**

قَطَعَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:

**رئیس آهوها سخن شان را قطع کرد و گفت:**

پشت کوهها دنیای دیگری است و آن را به رئیس مان گفتیم؛ ولی سخنم را قبول نکرد و خندید

اوراستگوست او دروغ نمی گوید؛ هنگامی که کوچک بودم؛ پرنده ی دانایی به من گفت:

«هِيَ صَادِقَةٌ. هِيَ لَا تَكْذِبُ؛ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي طَائِرٌ عَاقِلٌ:

خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرٌ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَئِيسِنَا؛ لِكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ صَحِيحًا.

كَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صَلاَحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجِرَةِ.»

صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلِ وَ وَجَدُوا عَالَمًا جَدِيدًا وَ فَرِحُوا كَثِيرًا.

همه بالای کوه رفتند و دنیای جدیدی یافتند و بسیار خوشحال شدند

همان طور که می دانید من همیشه خیر شما را می خواهم؛ پس باید کوچ کنیم

تمیه کننده: مسعود حیدری گروه عربی شهرستان ماهشهر



الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



- أَيَّتِهِنَّ الطَّالِبَاتُ، ماذا تَفْعَلْنَ؟

- نَصْنَعُ بَيْتًا خَشِيبًا.

ای دانش آموزان، چکار می کنید؟  
خانه ی چوبی می سازیم

- أَيُّهَا الرِّجَالُ، أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

- تَذْهَبُ إِلَى الْحُدُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.

ای مردان، کجا می روید؟  
مابرای دفاع از میهن به مرز می رویم



- أَيَّتِهِنَّ الْمَرَّاتَانِ،

إِلَى أَيْنَ تَذْهَبَانِ؟

- تَذْهَبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ.

ای خانم ها،  
به کجا می روید؟  
به چشمه آب می رویم

- أَيُّهَا الرَّمِيلَانِ،

مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ؟

- نَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ.

ای هم کلاسی ها، کی تنیس بازی می کنید  
بعد از یک دقیقه بازی می کنیم

در پاسخ به کلمه پرسشی «متی: چه وقت» کلماتی می‌آیند که بر زمان دلالت دارند:  
 الْيَوْمَ - أَمْسٍ - غَدٍ - صَبَاحٍ - عَصْرٍ - مَسَاءٍ - لَيْلٍ - قَبْلَ سَنَتَيْنِ - بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ -  
 فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي - فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ ...  
 مثال:  
 مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ يَوْمَيْنِ.

ترجمه کنید.

﴿مَتَى نَصَرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٤

پیروزی خدا چه وقت است؟ بدانید که قطعاً پیروزی خداوند نزدیک است

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

فی الليل	١. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاجِبَاتِكَ (وَاجِبَاتِكِ)؟
قبل ساعه	٢. مَتَى وَصَلْتِ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
بعد ساعتین	٣. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟
غداً	٤. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا؟

تهیه کننده: مسعود حیدری گروه عربی شهرستار ماهشهر

در جمله زیر تصویر، فعل مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهنده آن، اسم مثنی یا جمع است؛ در چنین جمله‌هایی فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود؛ مثال:



**تَعْمَلُ** هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَرْعَةِ.

این خانم‌های کشاورز در کشتزار کار می‌کنند.

جمله‌های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبُخُ** النِّسَاءُ طَعَامَ السَّفَرِ. **زنان غذای سفر را می‌پزند**

۲. **رَجَعَتْ** أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. **خواهرانم از خانه پدر بزرگم برگشتند**

۳. **يَخْرُجُ** اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ. **بازیکنان از زمین مسابقه بیرون می‌روند**



۱ الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- |                                     |                                     |  |
|-------------------------------------|-------------------------------------|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۱. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينِ. |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۲. قَبِلَ رَيْسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ.               |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۳. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: «عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ».                |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۴. سَأَلَتِ الْغَزَالَةُ الْهُدْهُدَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.                          |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۵. كَانَ عَدَدُ الذُّنَابِ خَمْسَةً.   |

۲ الْتَمْرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۹

برای شما در آن میوه های بسیاری است، واز آنها می خورید

۲. ﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا﴾ الْأَنْبِيَاء: ۵۹

گفتند چه کسی اینکار را باخدایان ما کرد

۳. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ الزُّحْرَف: ۳

ما قرار دادیم آن را (قرآن) کتابی عربی

۴. ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ۴۹

وستم نمی کند پروردگارت به هیچ کس

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

تو می‌دانی زبان عربی را به خوبی و خواهرت نمی‌داند آن را به خوبی تو

۲. زَمَيْلُكَ لَيْسَ مَلَابِسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟

هم‌شاگردی ات پوشید لباسهای پاییزی؛ پس چرا تو نمی‌پوششی؟

۳. أَنْتِ شَعَرْتِ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.

تو دیروز احساس غم کردی و امروز احساس شادی می‌کنی

۴. أَنَا أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من احساس سردرد می‌کنم؛ به درمانگاه خواهیم رفت

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

قبل ساعه	أَضْحَكُ	خندیدم	صَحِجْتُ
قبل ساعه	تَقْذِفِينَ	انداختی	قَذَفْتُ
قبل ساعه	لَا تَقْطَعُ	می‌برد	تَقَطَّعُ
قبل ساعه	لَبِسْتُمْ	می‌پوشید	تَلَبَّسُونَ
قبل ساعه	لَا تَقْبَلَانِ	می‌پذیرید	تَقْبَلَانِ
قبل ساعه	لَا تَنْصُرُ	یاری می‌کنی	تَنْصُرُ
قبل ساعه	يَقْرُبُ	نزدیک شد	قَرَّبَ
قبل ساعه	نَمَلِكُ	فرمانروایی کردیم	مَلَكْنَا
قبل ساعه	سَتَعْسِلَنَّ	شستید	عَسَلْتَنَ
قبل ساعه	سَوْفَ يَفْهَمُ	می‌فهمد	يَفْهَمُ

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رسول الله ﷺ.

قطعا حسادت نیکی ها را می خورد همان طور که آتش هیزم را می خورد.

۲. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. الإمام عليّ عليه السلام.

قطعا نیازهای مردم به شما نعمتی از خداست

۳. الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. رسول الله ﷺ.

امانت (داری) روزی می آورد و خیانت فقر (تهیدستی) می آورد

۴. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رسول الله ﷺ.

همانا خدا زیباست و زیبای را دوست دارد

۵. إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. الإمام عليّ عليه السلام.

از دست دادن فرصت (موجب) غم و ناراحتی می شود



## بیمارستان کجاست؟

### أَيْنَ الْمُسْتَشْفَى؟

الأول: أينَ مُسْتَشْفَى الإمامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ بیمارستان امام حسن (ع) کجاست؟

الثاني: في ذَلِكَ الشَّارِعِ. در آن خیابان.

الأول: وَ هَلْ هُنَاكَ صَيْدَلِيَّةٌ قَرِيبَةً مِنَ الْمُسْتَشْفَى؟ و آیا آنجا داروخانه نزدیک بیمارستان هست؟

الثاني: نَعَمْ؛ الصَّيْدَلِيَّةُ فِي نَفْسِ الْمُسْتَشْفَى. بله؛ داروخانه در خود بیمارستان است

الأول: هَلِ الْمُسْتَشْفَى بَعِيدٌ؟ آیا بیمارستان دور است؟

الثاني: لَا؛ قَرِيبٌ. بَعْدَ كِيلُومَتَرَيْنِ تَقْرِيْبًا. نه؛ نزدیکه. بعد از دو کیلومتر تقریباً

الأول: صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَةٌ. برایتان زحمت شد

الثاني: لَا؛ لَيْسَتْ زَحْمَةٌ، بَلْ زَحْمَةٌ. نه؛ زحمتی نیست، بلکه رحمتی است

الأول: رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ! خدا رحمت پدر و مادر را

الثاني: وَ وَالِدَيْكَ! و پدر و مادر را

